

بخش پانزدهم

از

ضد چریک

و

جنگ رهائی بخش ملی

تشویق به جانبازی قهرمانانه در جنگ را چگونه باید توجیه کرد؟

آیا این امر با مقتضیات "حفظ نیروهای خودی" تضاد ندارد؟

خیر، چنین تضادی موجود نیست.

جنگ سیاست توأم با خونریزی است که باید بهای آنرا پرداخت

بهای که گاهی نیز خیلی گران تمام میشود.

از: سرهنگ چیا

مایلم، این بخش را با این گفته: نکته پردازناشناس تبتی، آغاز که میگوید: (سرداران تاریخی یک ملت، جانان ملت دیگرند). در تائید این گفته میتوان از: **اتاترک** در ترکیه، نامبرد.

مناطق پایگاهی و مناطق چریکی "گریلایی" چیست؟

در جنگ چریکی که در پشت جبهه دشمن جریان مییابد، میان مناطق چریکی "پارتیزانی" و مناطق پایگاهی فرق هست. مناطقی که تحت محاصره دشمن میباشد، ولی هنوز بخشهای مرکزی آنها باشغال دشمن در نیامده اند، و یا درآمده - و باز ستانده شده اند: مانند بعضی از قراء و قصبات در منطقه روستائی، و مناطق کوهستانی بمتابیه **مناطق پایگاهی آماده میباشد**، که واحدهای چریکی یا گریلایی میتوانند از آنها برای بسط و توسعه جنگ چریکی یا پیشمرگه ای بر احوی استفاده کنند.

مناطق چریکی یا پارتیزانی: به مناطقی اطلاق میگردد که: پارتیزانها یا گریلاها نمیتوانند کاملاً آنها را تصرف کنند بلکه فقط میتوانند دائماً به آنجا دستبرد بزنند، بطوریکه این نقاط با حضور واحدهای چریکی یا گریلایی تحت کنترل آنها در میآید و وقتیکه از آنجا میروند، بدست نیروهای اشغالگران میافتند.

منطقه تهیه و تدارک شده:

این میدانی بسیار وسیعی است که: به جنگ "چریکی یا پارتیزانی" اختصاص مییابد، شرائط مساعد آن بشرح زیر است. 1- در حوالی آن (در فاصله 5 تا 7 روز) راهپیمائی، راههای باندازه کافی پررفت و آمد، دهکوره ها مزارع، و مکانهای دیگری که منابع انوقه گیری "چریکها یا پیشمرگه ها" را تشکیل میدهند، وجود داشته باشند.

2 - میدان وسیع و باندازه کافی و فراوان پرد رخت یا کوهستانی است که : واحدهای "چریکی یا پارتیزانی" بتوانند در آنجا به مانور بپردازند .

بسیار مهم است که : کادرهای شبکه مخفی ، به مدلل ترین نحوی برای جمعیت فعالیت های جمعی اغوا کننده و فاسد گرانه ضد شورش را توضیح دهند . **این فعالیت ها عبارتند از :** 1 - اعطاء وامها ، 2 - اصلاحات ارضی ، 3 - راه سازی ، 4 - برپا کردن خدمات بهداشتی و غیره . **زیرا :** به محض اینکه نیروهای سرکوب به بی ثمر بودن عملیات مدنی خود اعتقاد پیدا کنند ، همه تلاشهای خود را مصروف عملیات نظامی خواهند کرد ، و موقعیت اجتماعی و اقتصادی همچنان روبه وخامت خواهد گذاشت .

برای دست به عمل زدن یک جنبش مسلحانه ، حد اقلی از درصد تماسها - وحد متوسطی از 30 درصد افراد طرفدار و بیطرف ، که بطور مساوی تقسیم شده باشند کفایت میکند . همدردی روستائیان ، گروهها و سلولها ، بخشهای تحت نفوذ سیاسی را مشخص و معلوم میدارد . **بنا بر این :** از این نکته میتوان نتیجه گرفت که لازمست یک منطقه تهیه و تدارک شده ، برای اینکه بتواند باین نام خوانده شود ، بخشهای متعدد تحت نفوذ داشته باشد - که واحدهای چریکی یا گریلایی بتوانند در اطراف آنها ، مرکز ثقل عملیات خود را قرار دهند .

جبهه پایه ای یا اولیه وسایر واحدها ، در صورتیکه پیشا پیش ، تعداد قابل توجهی از سلولها و تماسها را در کلیه دهکوره های دوروبر ، از جمله در مناطق عملیاتی احتمالی دیگر مستقر کرده باشند ، لازم است همواره سعی کنند که بطور متقا - رن ، در مناطق تهیه و تدارک شده مربوط بخود ، ظاهر شوند . تمام این پیش بینی ها امکانات بسیار وسیعی را در اختیارشان قرار خواهد داد که پس از کمینهای نابودگرانه متعدد ، حضور نظامی و سیاسی خود را تضمین کنند .

این تدابیر بسادگی پاسخگوی محدودیتهائی تواند بود که : ضد شورش متعاقبا تحمیل خواهد کرد - که در عین حال مجبور خواهد شد ، از همان آغاز مبارزه مسلحانه ، نیروهای خود را متفرق کند .

دست به عمل زدن ، با تکیه انحصاری بر روی مناطق جنگ " چریکی یا گریلای " در بدوی ترین حالت آن ، و عدم پیش بینی لزوم متفرق کردن نیروهای دشمن از همان آغاز مبارزه ، بهائی بینهایت گزاف و سنگین از جنبشهای مسلحانه خلق کرد را درخواست کرده - و درخواست خواهد کرد .

این تنها نتیجه حاصله کسانی است که کوشیده اند با روشهای کوتاه مدت ((عجلولانه و اراده گرایانه - و عدم آگای - هی از اصول و فنون جنگ)) ، به مبارزه دراز مدت و طولانی رهائی بخش (ملی و انقلابی) ما ، مبادرت ورزند .

جبهه پایه ای یا اولیه وسایر واحدها : باید عملا مناطق تهیه و تدارک شده خود را اشغال کنند ، و حساب این را نباید بکنند که ضد شورش خواهد گذاشت که : (در صورت ترک این مناطق) آنها را از نوچنگ آورند . زیرا از لحظه که " گریلاها یا پیشمرگه ها " در میدان عمل قرار دارند ، بر اساس جنگ احتیاطی و جنگ مخصوص در حال - لت جنگ بسر میبرند .

واحدهای "چریکی یا پیشمرگه ای" باید سعی کنند که بخشهای تحت نفوذ خود را مخفی نگه دارند ، بمنظور اینکه بتوانند آنها را برای خود حفظ کرده و یا نابودیشانرا به تاخیر بیندازند .

بنابراین : توصیه نمی شود که دهکوره ها یا دهکده هائی را اشغال کنند که تعداد قابل توجهی از طرفداران واحدهای گریلایی یا پیشمرگه در آنجا وجود دارند ، بلکه بهتر اینست که کماندوهای کمتری برای آذوقه گیری به آنجا بفرستند . افراد این کماندوها نیز باید حتی امکان : نشانه های کمتری از خود برجا بگذارند ، حضورشانرا مخفی کنند ، مأمور - یت خود را بانجام برسانند ، اطلاعات و اخبار لازم را جمع آوری کنند .

اگر برخلاف این عمل کنند ، بمثانه اینست که منابع حمایت و آذوقه خود را برای دشمن افشاء کرده باشیم! . دهکده هائی که باید اشغال شوند ، عبارت از دهکده هائی میباشد که : اکثر ساکنان آنها - از چند تماس ناد رکه بگذریم افرادی بی طرف میباشدند .

بدلائلی که ذکر شده : واحدهای " چریکی یا پارتیزانی " باید از نبرد کردن ، بدفعات متعدد و پی در پی ، در حوالی ده - کوره ها و دهکده هائی اجتناب نمایند که تعداد طرفداران جنگ (گریلایی یا پیشمرگه) در آنجا زیاد میباشدند .

برعکس ، باید بکوشند که دشمن را بطرف دورترین مناطق عملیاتی و در حوالی دهکوره های بیطرف یا مخالف جنگ (چریکی) بکشانند .

دستگاه ترخشک سوزسربوب رسمی ، و شیوه های درمکنه گذارنده آن ، نقش مهمی را بنفع مبارزه (ملی و انقلابی) ایفاء خواهند کرد .

خلاصه اینکه : جبهه پایه ای یا اولیه و سایر واحدهای چریکی ، در آغاز با تمام وسائل خواهند کوشید که : بخش های تحت نفوذ در یک منطقه تهیه و تدارک شده را از نظر تاکتیکی دفاع نمایند ، برای اینکه بتوانند آنها را از نظر استراتژیکی جذب کنند ، یعنی برای خود محفوظ نگه دارند .

برای اینکه یک منطقه تهیه شده تا حد وضع ساهه یک " منطقه جنگ چریکی " تنزل کند ، کافی است که بیرون راندن اجباری توده های روستائیان همکاری کننده (با چریکها) ، بطور کامل (توسط ضد چریک) انجام شود ، ولی انجام اینکار ، جز با ایجاد یک سلسله اشکالات و گرفتاریهای عمده برای نیروهای دولتی امکان پذیر نمیشد .

قبل از هر چیز ، ضد شورش میباید بوجود این بخشهای : تحت نفوذ ، سلول ها ، گروهها ... و غیره ، پی ببرد ، و بعد به تعیین محل و موضع کردن آنها پردازد . غالباً ناچار میشود بیک تعداد از حملیات بیرون راندن روستائیان از دهکده ها مبادرت ورزد و دهکده ها و دهکوره های دیگر ، پاسگاههای اشباع کننده مستقر نماید . بنابراین ، هر قدر بخشهای تحت نفوذ بیشتر ، هر قدر نقاط حمایتی متعدد تر و گسترده تر باشند ، مشکلات ضد شورش : (نیروهای دولتی) برای جدا کردن مفصل های جنگ چریکی یا گریلابی خلقی ، عظیم تر و مشکلتر خواهد بود .

هر چند که بیرون راندن روستائیان در بخشهای متعدد تحقق یافته باشد ، مناطق تهیه و تدارک شده ، در بدترین حالات ، به منطقه یا مناطق جنگ " چریکی یا پارتیزانی " تبدیل خواهند شد که میتوانند : نظر باینکه وسائل تهیه اذوقه و خوار بار ، امکانش را فراهم میکنند - که بعنوان میدانهای عملیاتی بکار بروند و یا بمنظور دست و پا جمع کردن تدریجی ، از ورای مناطق جدید جنگ چریکی ، بطرف مناطق تهیه و تدارک شده دیگر ، مورد استفاده قرار گیرند .

ضرورت در نظر گرفتن و متکی بودن بر : مناطق تهیه و تدارک شده متعدد ، که از طریق مناطق جنگ چریکی قابل دسترسی باشند ، از همین جا آشکار میگردد .

بعضی از تزه عقیده مخالفی را ارائه و تبلیغ میکنند - و اینطور ارزیابی میکنند که : باید مبارزه مسلحانه را بهر قیمتی و هر و بهر صورتی که شده آغاز کرد . فقط کافیست که یک گروه " چریک یا گریلا " ، با صدای سوت آماده باش ، در رجائی کوهستانی یا دارای درخت و گیاه ، دور هم گرد آیند تا اینکه این کانون ، همچون ارواح مبارزه ، در سراسر منطقه یا مناطق رخنه کند - و سرانجام از کاخ " خودگردانی ، خود مختاری و بالاخره ، فدرالیسم " سرد آورد .

ایم نوع چتر بازی چریکی ، نتیجه موضع گیری ذهنگرایانه کسانی است که : هیچگونه آشنائی و یا اعتقادی به اصول و فنون (جنگ چریکی یا پارتیزانی) ندارند .

بنا بر این ! ، مسئولان یک جنبش رهائیبخش (ملی و انقلابی) که شیوه های ضد شورش و اشکال عملیاتی نیروهای دولتی " ضد چریک " را میشناسند ، نباید بدام گرایشهای کودکانه بیفتند . با شکیبائی و احتیاط کاری ، و گاهی اوقات با دشواری بسیار : خواه بخاطر فقدان منابع اقتصادی " مستقل " و خواه بخاطر اتخاذ تدابیر احتیاطی از طرف دشمن ، توفیق خواهد یافت که نفوذ خود را در صورت امکان بر اساس مناسبات و روابط شخصی ، که توده های دگقانی ما برای آنها اهمیت فوق العاده ای قائلند - سازمان دهند ، و بدینوسیله پایگاه اجتماعی فوری واحدهای " چریکی یا گریلابی " آینده را برپا دارند .

و قتیکه ! ، تماسها ، سلولها و هسته های حمایتی استقراریافت ، پیوندهای آمیخته به طرفداری و محبت مستحکم گردید و نقشه برداری منطقه ای مورد مطالعه و ارزیابی همه جانبه قرار گرفت ، در این حال میتوان آخرین مراحل تدارک و آماده دگی را پشت سر گذاشت .

این نه تنها غلط بلکه مسخره خواهد بود که فکر کنیم بعضی از تکنیکها ، بعنوان مثال (جنگ مینها) خواهند توانست جای حمایت توده ها را که ثمره سیاسی شدن آنان میباشد - بگیرند ((بهترین تکنیکها ، فقط یک مشت یاری دهندگان لازم بشمار میروند)) . جنبش رهاییبخش (ملی و انقلابی) ما در کردستان - ویا هر جای دیگر ، جز از طریق عملیات سازمانیافته - و پشتیبانی توده ها ، نمیتواند پیشروی کند .

مسلم که تعداد بسیاری از کادرهای رهبری جنبشهای ما در کردستان ، در زمینه ظواهر سازماندهی مبارزه مسلحانه به تئوری باقی پرداخته اند . لکن ، هدفهای تقلب آمیز آنان هر چه باشد ، تهیه و تدارک لازم در اینباره همواره یکسان است .

بطوریکه : این احزاب و سازمانهای رفورمیست (دیروز) - و اصلاح گر (امروز)! در طول مبارزه همواره کوشیده اند ، با جبهه های (پیشمرگه ای) به سوداگری و چانه زنی بپردازند .

فرانتس فانون ، در اینباره چنین مینویسد : ((آنها با مقاومت و پافشاری با قیام مسلحانه به مخالفت بر نمی خیزند ، ولی باین اکتفا میکنند که به خود انگیزگی رو ستاها ، اعتماد و اکتفاء کنند . بطور کلی این عنصر جدید چنان رفتار میکند که گوئی قضیه بر سر ماده ایست که از آسمان افتاده است ! ، در نتیجه دست دعا بجانب تقدیر راز میکنند که این امر ادامه یابد . این احزاب و سازمانها به بهره کشی از این ماده آسمانی میپردازند ، ولی نسبت به سازمان دادن قیام مسلحانه ، اقدامی بعمل نمیآورند . آنها کادرهایی را به روستاها میفرستند ، تا این کادرها توده ها را سیاسی کنند ! وجدان آنها را روشن سازند و سطح نبرد را تعالی بخش اند ! . بر این امید بسته اند که عملیات توده های " خود به خودی " بوسیله جنبش خویش به کندی نخواهد گروید! . و جنبش بر اساس دیالتیک خاص خود ، تکامل مییابد)) .
از کتاب نرفتن شدگان روی زمین .

یک سیاست " ملی - انقلابی " و یک تهیه و تدارک بمنتهی درجه مخفیانه ، از علائم مشخصه مناطق تهیه و تدارک شده بشمار میروند .

دورنمای منطقه معاصرم علیرغم تجزیه (جامعه و سرزمین) ما ، به بخشهای مختلف - چنین مینمایند که اولین پیر وزیهای رهاییبخش ، یک خصیصه مجموعی خواهد داشت . استقرار مناطق تهیه و تدارک شده مشترک در د و بخشی که در آنجا مبارزه " چریکی " وجود دارد ، یا بین یکی از این بخشها و بخش دیگری که بمرحله آمادگی و تدارک رسیده است ، مناسبترین مفصل بندیها بمنظور ایجاد یک استراتژی کلی - که بجنگ " ملی - انقلابی " و به پیر وزی منتهی خواهد شد تشکیل میدهد . با گسترش و اشتراک منابع عملیاتی - ولوژیستیکی " تدارکاتی " جنبشهای : (ملی - انقلابی) دوبرخ همسایه و همجوار ، جبهه های مسلح " متکی بخود " مربوط به بخش هر چند که سرکوب د و گانه ایی را متحمل میشوند - به یافتن راه حلهای د و گانه ای دسترسی پیدا خواهند کرد .

جبهه های بدینگونه استقرار یافته ، این سرآغاز واقعی یک جنگ رهاییبخش بد و ن مرز ، عواقب وخیم سیاسی و نظامی بلافاصله و در راز مدت را (برای دشمن) بوجود خواهند آورد .

ادامه دارد

Chia.rabii@yahoo.com

مالمو سوئید

